

شهادت حسین بن علی (ع) جانی دوباره و هویتی تازه به تشیع بخشید. تشیع چنان با حادثه عاشورا عجین گشته است که امروزه قسمت اعظمی از بنیان و بنیادهای شیعی را، آموزه‌ها و مسایل مرتبط با عاشورا و حرکت امام حسین (ع) می‌سازد. از این‌رو است که در نگاه شیعی، این نه فقط شیعیان، که همه عالم، گیاهان و بی‌جانان و حیوانات تا انسان‌ها، و نه امروز که از ابتدای آفرینش انسان، بر امام حسین (ع) گریسته‌اند و همه چیز با نام او پیوند خورده است. در این گفتار، تاریخ عزاداری آن حضرت را از جریان حضرت آدم (ع) تا شهادت ایشان، از دیدگاه روایات شیعی بازگو می‌کنیم.

امام صادق در روایتی می‌فرماید:
گریه پیامبران، صدیقان، شهیدان و ملائکه آسمان بر حسین (ع)، طولانی شده است. ۱.
هم‌چنین در کامل‌الزیارات و بحار الانوار روایتی آمده که می‌گوید:
هیچ پیامبری نبوده، مگر اینکه به زیارت کربلا آمده و در آن جا توقف کرده است. ۲. از این رو در روایات شیعی، سابقه عزاداری بر امام حسین (ع) به حضرت آدم (ع) می‌رسد.
در روایتی وارد شده است که وقتی خداوند در خواست توبه آدم (ع) را پذیرفت، جبرئیل اسامی پنج تن آل عبا را به او تلقین کرد. هنگامی که به نام سیدالشهدا رسید، گریه راه گلویش را بست. آدم علت آن را جویا شد و جبرئیل واقعه عاشورا را برای او شرح داد. در این هنگام، آدم و جبرئیل هردو گریه می‌کردند. ۳. در روایت دیگری آمده است که حضرت آدم هنگام عبور از کربلا یزید را لعن نموده است. ۴. هنگامی که کشتی حضرت نوح نیز به کربلا رسید، به تلاطم افتاد. وقتی آن حضرت علت را پرسید، جبرئیل داستان کربلا را برای وی بازگو کرد. ۵. همین مسأله درباره ابراهیم، هنگامی که در صدد ذبح اسماعیل برآمده بود، روی می‌دهد و پس از شنیدن داستان عاشورا، اشک از چشمانش سرازیر می‌شود. ۶. برای اسماعیل نیز همین مسأله هنگام آب نیاشامیدن گوسفندانش در کربلا اتفاق می‌افتد. ۷. نیز هنگامی که به موسی خطاب شد همه گناهکاران توبه کار را می‌بخشم، جز کشنده حسین (ع) را و آن گاه داستان کربلا بیان گردید، گریه کرد و از قاتلان حسین (ع) بی‌زاری جست. ۸.
هم‌چنین در روایتی، گریستن حضرت موسی و حضرت خضر (ع) در مجمع البحرین، ۹. حضرت زکریا در بیت المقدس ۱۰ و حضرت عیسی در کربلا ۱۱ بر حضرت امام حسین (ع) ذکر شده است. نیز گریستن حضرت رسول الله (ص) پس از ولادت امام حسین (ع) ۱۲ یا هنگام رحلت‌شان ۱۳ و...، گریستن امیرمؤمنان هنگام عبور از کربلا ۱۴ و گریستن حضرت زهرا (س) ۱۵ خط سیر دنباله دار تاریخ عزاداری نزد شیعیان، از ابتدا تا هنگام شهادت امام حسین (ع) است. هم‌چنین علامه مجلسی در بحار الانوار از امام باقر (ع) روایت می‌کند که هنگام خروج امام حسین (ع) از مدینه به طرف مکه، بانوان بنی عبدالمطلب جمع شدند و بر آن حضرت گریه کردند. ۱۶.

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا

شهادت حسین بن علی (ع)، شوکی عاطفی در میان مردم، به ویژه حلقه پیروان و دوست‌داران اهل‌بیت و شیعیان آن حضرت پدید آورد. هم‌چنین عظمت شخصیت حسین بن علی (ع) و بارانش و پستی عمل جنایت‌کاران در چگونگی امام (ع)، بر ابعاد این مسأله می‌افزود. عزاداری از همان لحظه‌های نخستین پس از شهادت امام حسین (ع)، افزون بر بار عاطفی نیرومندی که داشت، با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی نیز همراه بود. در این‌جا، سیر تاریخی عزاداری امام حسین را پس از شهادت آن حضرت به اختصار بررسی می‌کنیم. البته ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که حتی دشمنان و قاتلان امام (ع) چون عمر سعد، ۱۷. لشکر کوفیان، ۱۸. و اهل شام، ۱۹. نیز بر مظلومیت و فداکاری‌جان‌بازانه امام حسین (ع) گریسته‌اند.
تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا، از اولین لحظه‌های شهادت امام حسین (ع) شروع می‌شود، هنگامی که ذوالجناح با زین واژگون و یال غرقه به خون از مقتل بازگشت. ۲۰. پس از آن نیز در مواردی متعدد، حضرت زینب، زنان حرم امام (ع) و نیز دیگران به عزاداری پرداختند؛ مواردی چون عزاداری اهل بیت هنگام چپاول و آتش زدن خیمه‌ها ۲۱ و وقت عبور از میان شهدا، ۲۲. عزاداری زنان بنی اسد هنگام رفتن شهدا، ۲۳. عزاداری اهل بیت در شام، ۲۴. عزاداری اهل بیت و اهل مدینه در هنگام ورود به مدینه ۲۵ و عزاداری ام‌البنین در بقیع. ۲۶. به جز عزاداری‌های اهل بیت پس از شهادت امام حسین (ع) و اصحابش، شاهد عزاداری‌های دوست‌داران و شیعیان خاندان عترت به صورت فردی و جمعی هستیم که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. عبیدالله بن حر جعفی، که گفته شده پس از شهادت امام حسین (ع) از منزل خود در قصر بنی مقاتل به کربلا رفت و در آنجا گریست و قصدهی بلندی در رثای امام حسین (ع) سرود. ۲۷. او را نخستین زیارت‌کننده قبر امام (ع) دانسته‌اند. ۲۸.
۲. جابر بن عبدالله انصاری، که بر اساس گفته لهوف در اربعین به کربلا رسیده است. ۲۹.
۳. توأبین که پس از شهادت امام حسین (ع) از یاری نکردن آن حضرت پشیمان گشته و توبه کردند و به قیام بر ضد دستگاه شام و جبران گذشته همت گماردند. آن‌ها بدین منظور، به کربلا رفتند و در آن‌جا به عزاداری پرداختند و آن‌جا برای خونخواهی امام (ع) هم قسم شدند. ۳۰.
۴. عزاداری امامان معصوم، که در برخی از فصل‌های پیشین نیز ذکر از آن به میان آمد.
امام باقر (ع) به منظور عزاداری بر جدشان، مجلس تشکیل می‌دادند و از کمیت خواستند تا اشعاری در این باره بخواند. ۳۱.
امام صادق (ع) نیز به تشکیل مجلس عزاداری می‌پرداختند ۳۲ و شیعیان را به عزاداری و مرثیه سرایی با حزن و اندوه و سوز امر می‌نمودند ۳۳ و خود در مصیبت جدشان می‌گریستند. ۳۴.
در همین زمینه، روایاتی از امام کاظم (ع) ۳۵ و امام رضا (ع) ۳۶ نقل شده است. بنابراین، آن‌چه از سیره اهل بیت بر می‌آید، تشکیل مجالس عزاداری و گرامی داشت عاشورا، به ویژه دهه محرم ۳۷ است. به یقین شیعیان هم این امر را تا حد امکان در آن شرایط خفقان به انجام می‌رساندند و هرگاه شرایط مهیا می‌شد آشکارا به عزاداری می‌پرداختند.

این شرایط در زمان بنی‌امیه به شدت سخت و دهشتناک بود. امویان می‌کوشیدند تا یاد حسین و اهل بیت(ع) از ذهن‌ها پاک شود. از این رو، به هیچ وجه اجازه عزاداری و رفت و آمد و زیارت قبر مطهر آن حضرت را نمی‌دادند. این موضوع پس از قیام زید ابن علی بن حسین(ع) در زمان هشام بن عبدالملک شدت یافت. آن شرایط خفقان بار، در گفت‌وگوی میان امام صادق(ع) و یکی از اصحابشان به نام مسمع ۲۸ کاملاً مشهود است.

اما در زمان عباسیان، شرایط همواره در حال نوسان و تغییر بود و دائماً دچار قیض و بسط می‌شد. در زمان سفاح اولین خلیفه عباسی، شاهد فراهم شدن زمینه برای زیارت مرقد مطهر هستیم، ولی در زمان منصور، شاهد منع زائران و تخریب مرقد مطهریم که شاید یکی از علت‌های آن، قیام سادات حسینی باشد. پس از منصور و در زمان مهدی، مأمون، معتصم، واثق، منتصر و ناصرالدین بالله، شیعیان از جهت عزاداری و زیارت قبر امام حسین(ع) آزادی داشتند، ولی در زمان هارون و متوکل، به شدت در آزار و اذیت قرار گرفتند و دستور تخریب قبر مطهر و منع زائران صادر شد. ۳۹ شدیدترین این آزارها و اذیت‌ها، در زمان متوکل بود که دستور گشت زمین‌های اطراف قبر مطهر و زندانی کردن زائران را در سال ۲۳۶ ه. ق صادر کرد. علی بن محمد بسامی، شاعر بغدادی، شعری سرود و در آن، بنی‌عباس و متوکل را هجو و مذمت کرد. ۴۰ با این حال، کسانی از قرن اول هجری تا زمان آل بویه، به طور فردی و جمعی به کربلا رفته و در آنجا عزاداری می‌کردند، ولی پرشکوه‌ترین عزاداری شیعه در سوگ سیدالشهدا(ع)، در دوارن آل بویه که خود شیعه و دوست‌دار اهل بیت بودند، اتفاق افتاد. احمد معزالدوله، یکی از سه برادران بویه‌ای، پس از فتح بغداد در سال ۵۲۳ ه. ق در زمان مستکفی بالله، با توجه به روحیه تشیع خود، به آبادانی مزار امامان معصوم، به ویژه امام حسین(ع) پرداخت. او در محرم سال ۳۵۲ دستور داد که بازارها تعطیل و خرید و فروش ممنوع شود و سقاخانه‌هایی در بازارها برای آب دادن به مردم دایر گردد. همچنین زنان در حالی که برای امام حسین(ع) نوحه می‌خواندند و بر صورت لطمه می‌زدند، از خانه‌ها خارج شوند. ۴۱ این نخستین باری بود که چنین مراسمی در عزای امام حسین(ع) و زیر پرچم حکومتی برپا می‌گردید و سنت عزاداری دهه اول محرم، از آن زمان تا کنون به یادگار مانده است. پس از این دوران نیز عزاداری امام حسین(ع) همواره انجام می‌گرفت و با توجه به برخورد حاکمان، دچار قیض و بسط می‌گردید.

پس از دوران آل بویه، دوران تیموریان از این جهت بسیار پراهمیت است. و شاهد گسترش تدریجی تشیع، به ویژه در خراسان و ماوراءالنهر (مرکز حکومت تیموریان) هستیم، به طوری که برخی از پژوهش‌گران، از تسنن دوازده امامی در این دوره نام برده اند ۴۲ و نوشته اند در این زمان در ماوراءالنهر، همه ساله در سالروز قیام عاشورا، مراسمی برپا می‌شد. ۴۳

ملا حسین کاشفی، چهره شاخص این دوره و نگارنده کتاب روضه الشهداء است. برخی گفته‌اند در این دوره، گریه بر امام حسین(ع) در هرات، جانشین ذکر صوفیانه شده بود که نقشبندیه آن را ملغی کرده بودند. ۴۴ با روی کار آمدن صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه و فزونی گرفتن شمار شیعیان، بر کمیت و گستره مراسم عزاداری افزوده شد و از آن پس نیز با توجه به شیعی بودن همه حاکمان ایرانی، همین روند با ابعاد وسیع‌تری ادامه یافت.

تاریخ عزاداری امام حسین(ع) در میان اهل سنت

اهل سنت امروزه، شمار فراوانی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. از این رو، به دست آمدن نظرگاه آنان در خصوص مسأله‌ای چون عزاداری امام حسین(ع) مهم تلقی می‌شود و می‌تواند به وحدت نظری و عملی مسلمانان کمک کند. از سویی دیگر، با توجه به تبلیغ وسیع وهابیت در نفی عزاداری و به ویژه عزاداری سید الشهداء، به دست آوردن سیره عالمان و بزرگان اهل سنت و گذشته تاریخی این موضوع در میان ایشان، جایگاه والایی می‌یابد.

نخستین گزارشی که از اعتراض و گریه یکی از بزرگان صحابه پس از شهادت امام حسین(ع) و اسارت اهل بیت(ع) ثبت شده، اعتراض و گریستن زیدبن ارقم در مجلس ابن زیاد است. هنگامی که ابن زیاد با چوب دستی بر لب و دندان امام(ع) می‌زد، زید با اعتراض گفت: چوب دستی‌ات را بردار، به خدا شاهد بودم که رسول خدا مابین دو لب حسین را می‌بوسید و سپس گریست. ابن زیاد او را تهدید به مرگ کرد. پس زید فریاد زد: ای مردم! شما از این پس جزو بردگانید؛ پسر فاطمه را کشته‌اید و پسر مرجانه را امارت داده‌اید... ۴۵

به جز زیدبن ارقم، از کسانی که گریستن و عزاداری ایشان بر حسین بن علی(ع) ذکر شده می‌توان به حسن بصری اشاره کرد که پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین(ع) به شدت گریست و گفت: امت ذلیل، امتی است که پس دختر پیامبرش را می‌کشد. ۴۶ همچنین از امام شافعی می‌توان نام برد. شافعی با وجود طعن مخالفان، از ابراز محبت به اهل بیت(ع) ابا نمی‌ورزید. ۴۷ وی در قصیده‌ای، به مدح اهل بیت(ع) و ابراز اندوه از شهادت امام حسین(ع) می‌پردازد. نیز می‌توان از رثای خالد بن معران، یکی از تابعین و مرثیه احمد بن منصور بن علی قطیعی درباره امام حسین(ع) یاد کرد. ۴۸ باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از فقهای سنی مذهب اهل کوفه، به ویژه ابوحنیفه از سرسخت‌ترین طرفداران قیام‌های علویان بودند. ابوحنیفه و بسیاری دیگر از فقها هم در جریان قیام زیدبن علی بن حسین(ع) ۴۹ و هم در جریان قیام حسینیان به رهبری محمد نفس زکیه و ابراهیم ابن محمد، به حمایت آنان برخاستند و به نفع آنان فتوا صادر کردند. ۵۰

احمد بن حنبل، عالم بلند پایه اهل حدیث، در تعدیل مذهب عثمانیه و پذیرش فضایل علی(ع) نقش مؤثری دارد و حنبلی‌ها که به سختی با رماسم عاشورای حسینی مبارزه می‌کردند، با نشر فضایل اهل بیت(ع) از شدت تعصبشان کاسته شد. در این راستا می‌توان از سبط ابن جوزی و یحیی بن سلامه حفصکی که قصیده‌ای در مدح دوازده امام و قصیده‌ای دیگر در رثای ابا عبدالله الحسین(ع) دارد، نام برد. ۵۱ همچنین می‌توان به کسانی چون ابن صباغ مالکی، شمس الدین محمد بن طولون، قندوزی حنفی و فضل الله بن روزبهان که همگی آنان سنی‌های معتدلی هستند، اشاره کرد.

عبدالجلیل رازی، از عالمان قرن ششم و صاحب کتاب النقص، در مقابل نویسنده سنی مذهب دیگری که به عزاداری امام حسین(ع) خرده گرفته بود، به دفاع از آن برمی‌خیزد و می‌نویسد: «بزرگان و معتبران ائمه از اصحاب امام مقرر بوحنیفه و امام مکرّم شافعی و علما و فقهای طوایف فریقین، خلفاً عن سلف، این سنت را رعایت کرده اند.» ۵۲ اطلاعاتی که وی از عزاداری امام حسین(ع) در میان اهل سنت می‌دهد، بسیار ارزشمند است. وی از شخصیت‌های برجسته زیادی از اهل سنت چون خواجه بو منصور در اصفهان و خواجه علی غزنوی حنفی در بغداد نام می‌برد که، در روز عاشورا با شور و هیجان فراوانی به سوگواری امام حسین(ع) می‌پرداخته‌اند. ۵۳ وی هم چنین به مجلس «شهاب مشاط» در بغداد اشاره می‌کند.

در همین دوره باید از عبدالرحمن جامی (۸۹۸-۹۱۷ ه. ق) حنفی مذهب یاد کرد که علاقه بسیاری به خاندان عترت داشته و اشعاری در این باره سروده است. ۵۴ او هنگام دیدار از کربلا اشعاری در وصف امام حسین(ع) می‌سراید:

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین ۵۵
به جز این موارد می‌توان از برخی عالمان حنفی نام برد که کتاب‌هایی در رثای امام حسین(ع) نگاشته‌اند: محمود بن عثمان
حنفی رومی نویسنده مقتل الامام الحسین ابن علی ابن ابیطالب رضی الله عنهما فی کربلا، ۵۶ قادر بخش بن حسن علی حنفی
نگارنده جور الاشقیاء، علی ریحانة سید الانبیاء ۵۷ و شیخ علی انور بن علی اکبر حنفی نویسنده کتابی با عنوان شهادة الکونین فی
مقتل سیدنا الحسین السبط. ۵۸ امروزه نیز اهل سنت، یا خود به عزاداری امام حسین(ع) می‌پردازند و یا با شیعیان در عزاداری
شرکت می‌کنند؛ چنانچه دکتر علی الوردی در کتاب خود با عنوان دراسة فی طبیعة المجتمع العراقي به این اشتراك شیعه و
سنی در عزای حسینی اشاره می‌کند و می‌نویسد:
کم دیده نمی‌شود که محله سنی نشین با محله شیعه نشین در بعضی مجالس حسینی مشارکت می‌کنند و گاهی نیز در
تقدیس مرآد و امامان شیعه این مشارکت دیده می‌شود. ۵۹

عزاداری امام حسین(ع) در ایران

ایرانیان از دیرباز دوست دار خاندان عترت و مفتخر به ولایت آنان بوده‌اند. آنها به اهل بیت(ع) حساسیت ویژه ای داشته و همواره
یار و حامی آنان به شمار رفته‌اند.
قبیله بنی حمراء از قبایل ایرانی تبار شیعی مذهب کوفه، نخستین کسانی بودند که پس از واقعه کربلا، آشکارا مجالس عزاداری
عاشورا به پا کردند و برای خون‌خواهی سید الشهداء به مختار پیوستند. ۶۰ آنها که بالغ بر بیست هزار جنگجو بودند، بیشتر سپاه
مختار را تشکیل می‌دادند ۶۱ و مسجدی نیز در کوفه به نام آنها موجود بوده است. ۶۲ اصولاً ایرانیان که در آن زمان پیش‌تر تحت
عنوان موالی خوانده می‌شدند، به اهل بیت پیامبر، ارادت خاصی داشتند.
ایرانیان به‌ویژه پس از شهادت امام رضا(ع) به عزاداری امام حسین(ع) حال و رنگ دیگری بخشیدند و به طور مداوم به آن
می‌پرداختند. ۶۳ البته این مسأله در طول زمان دچار فراز و فرودهایی می‌گردید. برای مثال، با روی کار آمدن آل بویه در ایران و عراق
و ترویج تشیع در مناطق مختلف، شیعیان و دوست داران امام حسین(ع)، مجال بیش‌تری برای عزاداری پیدا کردند. آل بویه که خود
ایرانی و شیعه بودند، بنیاد عزاداری علنی و پرشکوه را در بغداد گذاشتند.
پس از آنان نیز این حرکت با شدت و ضعف ادامه یافت. تا زمان تیموریان که رونقی وسیع و جدی گرفت، به طوری که اهل تسنن
نیز با شیعیان هم‌نوا می‌شوند. پس از تیموریان، با روی کار آمدن صفویه و حمایت رسمی آنان از تشیع، برپایی عزاداری گسترده و
دامنه بیش‌تری یافت و در اقصی نقاط ایران متداول شد. این مراسم هم‌چنان تا زمان قاجاریه ادامه یافت. در دوره رضاشاه پهلوی،
با آن که خود او با تظاهر شدید به حمایت از تشیع و علما و مظاهر تشیع و به راه انداختن دسته و همراهی با عزاداران توانسته
بود حکومت را بدست گیرد، ولی در نیمه دوم حکومتش به شدت را عزاداری مبارزه کرد و آن را ممنوع ساخت. در زمان پهلوی دوم،
ممنوعیت عزاداری برداشته شد و مردم توانستند آزادانه به عزاداری بپردازند.
پس از سقوط سلطنت ۵۷ سال پهلوی و با آغاز انقلاب اسلامی ایران، سوگواری سید الشهداء منزلت والایی یافت و یکی از
اساسی ترین پایه‌های مذهبی حکومت را نیز تشکیل داد. گفتنی است که ایرانیان، عزاداری را در مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها،
منازل و به صورت دسته‌عزا در معابر عمومی و نیز در بیوت مراجع تقلید بر پا می‌کردند. این مراسم، در شهرهای مذهبی چون قم،
مشهد، کاشان، اصفهان، اردبیل، و... بسیار پرشکوه انجام می‌گیرد. نخل بداری، هیأت‌های سقایی، تعزیه خوانی زنجیر زنی و
قمه زنی از رسم‌های متداول آیین عزاداری به شمار می‌آید. ۶۴

تاریخ عزاداری در جهان

عزاداری در نقاط مختلف جهان، به میزان حضور شیعیان با هر گرایش و فرقه‌ای پررنگ‌تر برگزار می‌شود.
۱. عراق: در عراق در حکومت عباسیان در زمان سفاح و زمان مامون و نیز به ویژه در عهد آل بویه، عزاداری رونقی خاص یافت. پس
از آن نیز به نسبت نوع برخورد حاکمان، هر ساله مراسم عاشورا و محرم برگزار می‌گردید، به ویژه در کربلا که ورود هیأت‌های
عزادار با شمایل خاص، شور و وجد دیگری بدان می‌دهد و برخی از علما نیز با آنان همراهی می‌کنند؛ همانند علامه سید محمد
مهدی بحر العلوم که با عزاداران در مراسم همراه می‌شده است. ۶۵
۲. سوریه: با توجه به این که دمشق مرکز خلافت امویان بوده و به طور کلی مردم آن جا نیز به اموی بودن شهرت داشته‌اند، در
ابتدا مراسم عزاداری چندان رونقی نداشت ولی بعدها، با توجه به نزدیکی آنان به کشور لبنان که شیعه در آنجا گرایش قوی بود
و نیز وجود مرقد حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س)، عزاداری امام حسین(ع) شور خاصی یافت و امروز نیز چنین است؛ البته در
عهد حمدانیان وضعیت به مراتب بهتر گزارش شده است. ۶۶
۳. لبنان: سابقه شیعه‌گری، در لبنان، تا زمان ابوذر امتداد دارد. امروزه لبنان شیعیان معتقدی دارد، ولی در زمان امویان، به
سختی تحت فشار بودند. اندک اندک با باز شدن فضا اجتماعی سیاسی، عزاداری نیز رونق یافته و امروزه عزاداری‌های بسیار
خوبی در آن جا، به ویژه در مناطق جبل عامل که سابقه طولانی در این باره دارند، انجام می‌شود.
۴. افغانستان: مراسم عزاداری در افغانستان همه ساله در نقاط مختلف این کشور به ویژه در مناطق مرکزی که شیعیان در آن‌جا
ساکنند (منطقه هزارستان) و نیز مناطق مرکزی که شیعیان در آن جا ساکنند (منطقه هزارستان) و نیز شهر مزار شریف (درشمال
کشور) به خوبی برگزار می‌شود. ۶۷
۵. بحرین: در بحرین، از قدیم روز عاشورا تعطیل و حسینیه‌های آن که ماتم نامیده می‌شود، در ایام محرم به شدت فعالند. ۶۸
۶. هندوستان: تاریخ عزاداری در هند، به پیش از استیلای سلطان محمود غزنوی می‌رسد. شیعیان و سنی‌های معتقد به امام
حسین(ع) و حتی دیگر فرقه‌ها، در روزهای محرم در مکان‌هایی به نام امام باره که ضریح ائمه است، جمع می‌شوند و به عزاداری
می‌پردازند. تعزیه و شور خاص هندیان به حدی است که گاه عزاداری ایشان، تا ربیعین سیدالشهداء ادامه می‌یابد. ۶۹
۷. پاکستان: در پاکستان، روز عاشورا یکی از تعطیلات رسمی است. در استقلال پاکستان، توجه به عاشورا نقش ویژه‌ای
داشت ۷۰ و اقبال لاهوری نیز اشعاری در باره امام حسین و کربلا سروده و استقلال پاکستان را مرهون آن دانسته است. شبیه
کوچکی از مقبره امام حسین(ع) که بدان تعزیه یا ضریح می‌گویند، افزون بر زنجیر زنی، سینه زنی و نیز قمه زنی در پاکستان
مرسوم است. ۷۱

۸. بنگلادش: در بنگلادش نیز امام باره‌ها، مرکز عزاداری بوده و احساسات مردم در خصوص عاشورا، در ادبیات آن‌ها نیز منعکس شده است.
۹. اندونزی: در اندونزی که اسلام توسط شیعیان و جمعی از سادات بدان راه یافته، ماه محرم را «سورا» می‌خوانند و آن را با شکوه برگزار می‌کنند.
۱۰. فیلیپین: در فیلیپین نیز عاشورا به شکل پرشکوهی برگزار می‌گردد. در سال ۱۳۱۰ ه.ق، عده‌ای از نوادگان امام صادق (ع) برای تبلیغ از عراق وارد سوماترا شدند. نیز در اوایل قرن پانزدهم، یکی از سادات، به مالاکا رفت و پس از ازدواج با دختر حاکم آن دیار، به خلافت رسید و بازماندگانش تا چهار قرن در آنجا حکومت کردند.
۱۱. تایلند: در تایلند نیز که اسلام و تشیع به وسیله یک تاجر قمی به نام شیخ احمد به آنجا وارد شد، مراسم عاشورا هر ساله برگزار می‌گردد. هم چنین عاشورا در جمهوری آذربایجان که هفتاد درصد آن شیعه‌اند، آفریقای شرقی، برونزی، الجزایر، کانادا، آمریکا و آلبانی برگزار می‌شود. ۷۲ در آلبانی «نعیم بیک» دیوان شعری در مورد شهادت امام حسین (ع) سروده و «دالیب فراشری» ۶۵ هزار بیت در این باره گفته است. ۷۲ شیعیان در مدت ده روز محرم، آب نمی‌نوشند تا خود را شبیه قهرمانان کربلا گردانند، آن گاه به تکایا می‌روند تا به ذکر مصیبت پردازند و در راه پامام یا امام می‌گویند. ۷۴
- در شهرهای ترکستان، قفقاز، تبت و چین نیز همانند این موارد وجود دارد. ۷۵

پیوست‌ها:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت لبنان، دار احیاء التراث العربیه، ج ۱۴۰۳ □ ۳، ج ۴۵، ص ۲۰۸.
۲. کامل الزیارات، چ مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ق، ص ۶۷، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۱.
۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵، الخصائص الحسینیة، شیخ جعفر شوشتری، بیروت، دارالسرور، ج ۱۴۱۴ □ ۱، ص ۱۰۱.
۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲.
۵. همان، ص ۲۴۲.
۶. همان، ص ۲۲۷.
۷. همان، ص ۲۴۲.
۸. همان، ص ۲۴۴.
۹. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۸.
۱۰. الاحتجاج، طبرسی، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۶۳.
۱۱. الامالی، شیخ صدوق، مجلس ۸۷، ذیل شماره ۵.
۱۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۹؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۴۹.
۱۳. مثیر الحزان، ابن نماحلی، قم، مؤسسه الامام المهدی، ج ۲، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۲.
۱۴. الامالی، صدوق، ص ۲۶۵، مجلس ۸۷.
۱۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۵.
۱۶. همان، ص ۸۸ - ۸۹.
۱۷. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۲، مقتل الحسین، ابی مخنف، ترجمه علی کرمی، قم، دارالکتاب، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۲۸۴.
۱۸. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۸-۵۹.
۱۹. همان، ج ۴۵، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.
۲۰. همان، ج ۴۵، ص ۵۲.
۲۱. همان، ص ۵۸.
۲۲. مقتل الحسین، خوارزمی، تحقیق، شیخ محمد سماوی، قم، دارانوار الهدی، ج ۱۴۱۸ □ ۱، ج ۲، ص ۴۴-۴۵.
۲۳. ارشاد، مفید، ج ۲، صص ۱۱۳۱۱۴، ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی حنفی، قم، مکتبه المحمدی، ۱۳۸۵ ق، ج ۸، ص ۱، ص ۳۵۰.
۲۴. لهوف، سید ابن طاووس، برگردان، میرابوطالبی، قم، دلیل، ج ۱، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۹۲.
۲۵. همان، ص ۱۹۸.
۲۶. مقاتل الطالبین، ابولافرج اصفهانی، تحقیق، سید احمد صفر، قم، شریف رضی، ج ۱، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۵.
۲۷. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۲۸ ۲۳۷.
۲۸. تاریخ النیاحه، سید صالح شهرستانی، تحقیق، نبیل رضا علوان، بیروت لبنان، دارالزهراء، ج ۱، ۱۴۱۹ ق، ج ۲ - ۱، ص ۱۰۰ به نقل از مدینه الحسین (ع).
۲۹. لهوف، ص ۱۹۷.
۳۰. مقتل الحسین (ع)، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۱۸.
۳۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۹۱.
۳۲. امالی صدوق، ص ۱۱۸.
۳۳. کامل الزیارات، جعفر بن قولویه، قم، صدوق، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.
۳۴. همان، ص ۱۰۵.
۳۵. امالی صدوق، ص ۱۱۱، ج ۲.
۳۶. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۲۹.
۳۷. امالی صدوق، ص ۱۱۶.
۳۸. کامل الزیارات، ابن قولویه، تصحیح: عبدالحسین امینی، قم، کتابفروشی وجدانیف چ نجفی، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۰۱.
۳۹. همان، صص ۶۷.
۴۰. وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۳، تحقیق: احسان عباس، بیروت لبنان، دارالفکر، ۱۹۷۰ م، ج ۳، ص ۳۶۵.

۴۱. مدینه الحسین(ع)، ص ۱۰۶.
۴۲. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ج ۱، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۳۰.
۴۳. روضة الشهداء، ملا حسین کاشفی سبزواری، تحقیق: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ج ۱، ص ۲۲.
۴۴. تشیع و تصوف، کامل مصطفی، ترجمه قراگزلو، تهران، امیرکبیر، صص ۳۲۷ - ۳۲۵.
۴۵. تاریخ طبری، بیروت لبنان، ج ۴ ص ۳۴۹؛ تذکره الخواص، سبط این جوزی، قم، شریف رضی، ۱۴۷۱ ق، ص ۲۲۱.
۴۶. تذکره الخواص، ص ۲۴۰.
۴۷. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۲۴.
۴۸. همان، ص ۱۴۱.
۴۹. مقاتل الطالبین، ج ۱، ۱۴۱۴ ق.
۵۰. همان، ص ۳۱۴.
۵۱. تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، قم انصاریان، ج ۲، ۱۳۸۱ ش، صص ۲۸۲ - ۲۸۳.
۵۲. کتاب النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، به سعی سید جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۳۱ ش، ج ۱، ص ۴۰۲.
۵۳. همان، صص ۴۰۲-۴۰۵.
۵۴. کلیات دیوان جامیف عبدالرحمان جامیف تصحیح، شمس بریلوی، تهران، هدایت، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۲۷.
۵۵. همان، ص ۲۵.
۵۶. هدیه العارفین، اسماعیل باشا بغدادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۴۱۲.
۵۷. نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، عبدالحی بن فخر الدین حسنی، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانیه، ج ۲، ص ۸، ص ۳۰۷.
۵۸. همان، ص ۲۲۸.
۵۹. تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۷ به نقل از دارسة فی طبیعة المجتمع العراقی، ص ۲۳۶.
۶۰. دائرة المعارف تشیع، تهران، مؤسسه دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۶۳.
۶۱. همان، ج ۳، ص ۴۶۳.
۶۲. تاریخ الکوفه، کامل سلمان حیدری، نجف، ج ۱، ۱۳۴۹ ق، ص ۱۰۸.
۶۳. تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۵۹.
۶۴. نک: عزاداری سنتی شیعیان: سید حسین معتمدی، قم، عصر ظهور، ج ۱، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹.
۶۵. تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۶.
۶۶. همان، ص ۴۸.
۶۷. مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی (ع) در فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ع)، ج ۱، ۱۳۷۶، دفتر دوم صص ۱۱۱-۱۱۲.
۶۸. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۱۹.
۶۹. تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، برگردان، تقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران، کیهان، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۳۳۰.
۷۰. مجموعه مقالات دومین کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۱۱۴.
۷۱. همان، ص ۱۱۴.
۷۲. دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، حسین الامین، سوریه، دار التعارف للمطبوعات، ج ۲، ص ۳۵۶.
۷۳. دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ۳۸۹.
۷۴. دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، حسین الامین، سوریه، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ۱۳۱۶ ق، ج ۳، ص ۳۵۷.
۷۵. تاریخ النیاحه، ج ۲، صص ۷۰-۷۲.